



مجلس، یک بار موسوی خوئینی‌ها به من گفت این قانون به نتیجه نمی‌رسد؛ چرا که نوریخس آن را قبول ندارد. با این حال، بعد از ابلاغ قانون برای اجرا، اگرچه جنب و جوش‌ها و تحولاتی در گوشه و کنار نظام بانکی اتفاق افتاد، اما این اتفاقات به‌صورت سیستماتیک نبود. متأسفانه عمده کسانی که این قانون را برای بانکداران توضیح می‌دادند و به نوعی مسئول آموزش نظام بانکی جدید بودند، خودشان درک درستی از این قانون نداشتند. آنها مسائل را طوری مطرح می‌کردند که کارکنان نظام بانکی با خودشان می‌گفتند، خوب، ما هم که داریم همین کارها را انجام می‌دهیم، پس فرق روش قبلی با روش جدید در قانون عملیات بانکی بدون ربا چیست؟ برای مثال، اگر شما همین الان نظام بانکی ما را بررسی کنید، متوجه می‌شوید موضوع آموزش و تخصص در میان کارمندان نظام بانکی ما چیزی نزدیک به صفر است؛ یعنی یک کارمند ارشد بانک با تحصیلات دانشگاهی، بعد از سی سال فعالیت به جز انجام کارهای روتین و معمول، تخصص دیگری ندارد؛ در حالی که براساس قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک اسلامی باید بانکی باشد با کارکنانی که هر یک در یکی از عقود شرعی متخصص هستند؛ برای مثال، یک بانک اسلامی باید هزار متخصص مشارکت یا پانصد متخصص مزایه یا دویست متخصص خرید مزارعه و... داشته باشد. ضمن اینکه بعد از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، آیین‌نامه‌های اجرای این قانون در بانک مرکزی نوشته شد. ما در اینجا یک اشتباه یا شاید کم‌تجربگی کردیم. اشتباه این بود که نفهمیدیم دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌هایی که بعداً تدوین و نوشته می‌شوند، ممکن است با قانون در تضاد باشند.

آن زمان در بانک مرکزی برای تدوین آیین‌نامه‌ها، افرادی چون آقای مهدوی نجم‌آبادی و محمد نهبوندیان که معاون اسرگروالادی در وزارت بازرگانی بود نیز حضور داشتند. معتقد بودیم چون قانون را تدوین کرده‌ایم، باید آیین‌نامه‌ها نیز با قانون تناسب داشته باشد؛ اما با کمال تأسف به نظر افرادی مانند مهدوی نجم‌آبادی که هم در جلسات تدوین قانون عملیات بانکی بدون ربا و هم در جلسات تدوین آیین‌نامه‌ها حضور داشتند، تمام بخشنامه‌ها و فرمول‌های مورد نیاز برای تعیین سود سپرده‌ها را براساس کتاب‌های غربی نوشته‌اند.»

بعد از ورود محمدجواد ابروانی به ساختمان باب‌همایون و خروج حسین نمازی از وزارت اقتصاد، علی‌ماجدی به‌عنوان معاون کل وزیر، جایگزین شرافت چهرمی و اکبر افجه به جای ایرج توتونچیان، معاون اقتصادی وزیر اقتصاد می‌شوند. توتونچیان درباره سال‌های ۶۴ به بعد می‌گوید: «بعد از اینکه نمازی وزارت اقتصاد را به ابروانی تحویل داد، ما جدی که معاون کل وزیر شده بود، مرا صدا زد و در جلسه‌ای پیشنهاد ادامه همکاری داد. بدین ترتیب من، و هم احساس می‌کردم پیشنهاد آنها چندان جدی نیست و اگر در وزارتخانه بمانم، بعداً کنار گذاشته می‌شوم. به هر حال، تصمیم بر این شد تا کنار بروم. به ما جدی گفتیم دلم برای دانشگاه تنگ شده و می‌خواهم به دانشگاه برگردم. از آن روز که از وزارت اقتصاد خارج شدم تا امروز دیگر هیچ مسئولیت رسمی‌ای نپذیرفتم. خروج ما از وزارت اقتصاد باعث شد عملاً از جریان‌ات و نحوه اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا دور شویم؛ تا اینکه چند سال بعد در حال تدریس بانکداری اسلامی برای دانشجویان پژوهشکده پولی



ایرج توتونچیان که حدود یک سال و نیم بعد از آغاز اجرای این قانون نیز همچنان در کسوت معاونت وزیر اقتصاد حضور داشت، درباره این نگاه می‌گوید: «رئیس کل وقت بانک مرکزی اگرچه در ظاهر خود را طرفدار اجرای این قانون معرفی می‌کرد، اما عملاً اعتقادی به این قانون نداشت.

این عدم اعتقاد به نحوی بود که در زمان تصویب این قانون در مجلس، یک بار موسوی خوئینی‌ها به من گفت این قانون به نتیجه نمی‌رسد؛ چرا که نوریخس آن را قبول ندارد. با این حال، بعد از ابلاغ قانون برای اجرا، اگرچه جنب و جوش‌ها و تحولاتی در گوشه و کنار نظام بانکی اتفاق افتاد، اما این اتفاقات به‌صورت سیستماتیک نبود.

متأسفانه عمده کسانی که این قانون را برای بانکداران توضیح می‌دادند و به نوعی مسئول آموزش نظام بانکی جدید بودند، خودشان درک درستی از این قانون نداشتند

توقف اجرای عملیات بانکی بدون ربا



بشر

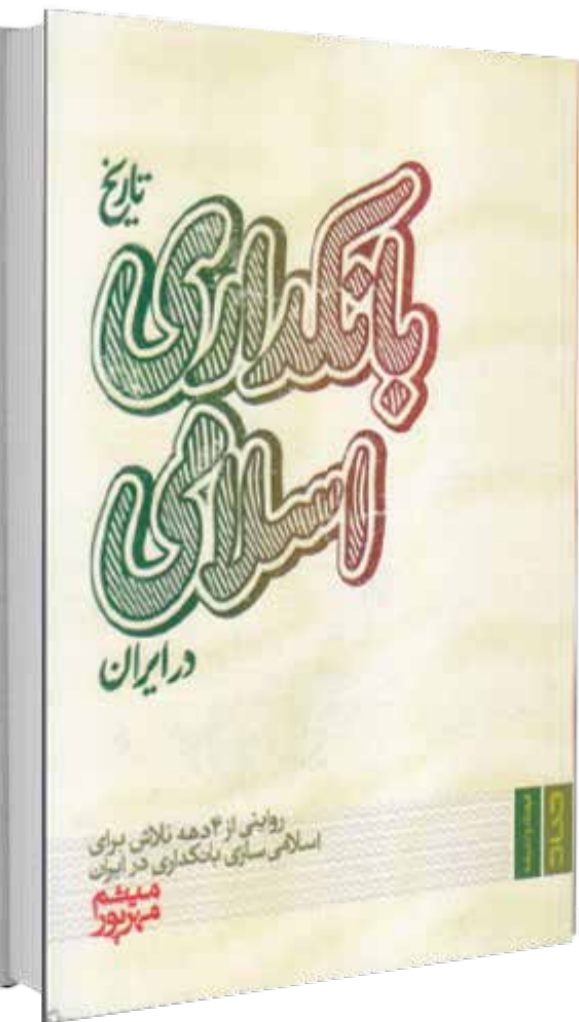
به ماجدی گفتیم دلم برای دانشگاه تنگ شده و می‌خواهم به دانشگاه برگردم. از آن روز که از وزارت اقتصاد خارج شدم تا امروز دیگر هیچ مسئولیت رسمی‌ای نپذیرفتم. خروج ما از وزارت اقتصاد باعث شد عملاً از جریان‌ات و نحوه اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا دور شویم؛ تا اینکه چند سال بعد در حال تدریس بانکداری اسلامی برای دانشجویان پژوهشکده پولی بانکی بانک مرکزی که از کارمندان و کارکنان نظام بانکی بودند با توضیحات دانشجویانم متوجه شدم عملاً چیزی تحت عنوان قانون عملیات بانکی بدون ربا در نظام بانکی ما وجود خارجی ندارد و تمام عقود شرعی که در قانون دیده شده تحت عنوان یک عقد آن هم «عقد قرض ربوی» در حال انجام است. خلاصه ماجرا این بود که مدیران بانک مرکزی عملاً آنچه را خودشان قبول داشتند، اجرایی کردند.

بانکی بانک مرکزی که از کارمندان و کارکنان نظام بانکی بودند با توضیحات دانشجویانم متوجه شدم عملاً چیزی تحت عنوان قانون عملیات بانکی بدون ربا در نظام بانکی ما وجود خارجی ندارد و تمام عقود شرعی که در قانون دیده شده تحت عنوان یک عقد آن هم «عقد قرض ربوی» در حال انجام است. خلاصه ماجرا این بود که مدیران بانک مرکزی عملاً آنچه را خودشان قبول داشتند، اجرایی کردند.»

بود که اگرچه طبق قانون، رئیس کل بانک مرکزی باید ازسوی وزیر اقتصاد معرفی می‌شد و عملاً رئیس کل بانک مرکزی شانی بسیار پایین‌تر از وزیر اقتصاد داشت، اما برخلاف قانون، بانک مرکزی وزارت دارایی را قبول نداشت؛ موضوعی که باید ریشه‌های آن را در نظام سرمایه‌داری حاکم بر اقتصاد ایران جست و جو کرد.»

توتونچیان با ذکر خاطره‌ای از سفر هیأت ایرانی به سرپرستی او برای شرکت در اجلاس سالانه بانک جهانی و جایگاه بالای فدرال رزرو می‌گوید: «وقتی در غیاب نوریخس و نمازی به‌عنوان سرپرست گروه اعزامی ایران به اجلاس بانک جهانی رفتم، دیدم رئیس کل بانک مرکزی بسیاری از این کشورها چند قدم جلوتر از وزرای اقتصاد آنها حرکت می‌کنند. در واقع در کشورهایی با نظام سرمایه‌داری، رؤسای بانک‌های مرکزی برای خودشان شأن بالاتری نسبت به وزرای اقتصاد قائل هستند؛ چرا که پول در نظام سرمایه‌داری قدرت بالایی دارد و اصطلاحاً در برج عاج است.

در قانون عملیات بانکی بدون ربا، من براساس دانسته‌هایم در آن زمان سعی داشتم کاری کنم تا پول از برج عاج به جایی که مستحق آن است، آورده شود. در واقع در یک اقتصاد اسلامی، جایگاه رئیس کل بانک مرکزی حداکثر باید در سطح یکی از معاونان وزیر اقتصاد باشد؛ چرا که در اقتصاد اسلامی پول از برج عاج پایین می‌آید. وقتی جایگاه پول تنزل یافت، طبیعی است که جایگاه رئیس کل بانک مرکزی نیز باید تنزل یابد. شاید یکی از دلایل همراهی نکردن مدیران بانک مرکزی با اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا همین موضوع بود، آنها نمی‌خواستند جایگاه‌شان تنزل یابد.»



کم‌تجربگی در نوشتن آیین‌نامه‌های عملیات بانکی بدون ربا



بشر

بعد از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، آیین‌نامه‌های اجرای این قانون در بانک مرکزی نوشته شد. ما در اینجا یک اشتباه یا شاید کم‌تجربگی کردیم. اشتباه ما این بود که نفهمیدیم دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌هایی که بعداً تدوین و نوشته می‌شوند، ممکن است با قانون در تضاد باشند. آن زمان در بانک مرکزی برای تدوین آیین‌نامه‌ها، افرادی چون آقای مهدوی نجم‌آبادی و محمد نهبوندیان که معاون اسرگروالادی در وزارت بازرگانی بود نیز حضور داشتند. ما معتقد بودیم چون ما قانون را تدوین کرده‌ایم، باید آیین‌نامه‌ها نیز با قانون تناسب داشته باشد؛ اما با کمال تأسف به نظر افرادی مانند مهدوی نجم‌آبادی که هم در جلسات تدوین قانون عملیات بانکی بدون ربا و هم در جلسات تدوین آیین‌نامه‌ها حضور داشتند، تمام بخشنامه‌ها و فرمول‌های مورد نیاز برای تعیین سود سپرده‌ها را براساس کتاب‌های غربی نوشته‌اند.

مربوط به موضوع، از دو دیدگاه مطرح است: اقتضای نصوص اسلامی که بر ارزش اسمی تکیه دارد و اقتضای عدالت که حفظ قدرت خرید سپرده‌گذاران را ایجاب می‌کند. قدر مسلم این است که ضرر و زیان وارده به سپرده‌گذاران بر اثر کاهش قدرت خرید پول، با اتخاذ تدابیر و تمهیدات مختلف که مغایر موازین شرعی نباشد باید جبران شود. آیت‌الله سیدکاظم حائری نیز اصل موضوع جبران زیان وارده بر افراد بر اثر کاهش ارزش پول را قبول دارند. ایرج توتونچیان به‌عنوان یکی از اقتصاددانان و تدوین‌کنندگان اصلی قانون عملیات بانکی بدون ربا درباره عقد قرض معتقد است: «قرض می‌تواند به جای پول با سایر کالاها از جمله طلا و سکه باشد که فلسفه تغییر مهره‌ها از پول به سکه‌های طلا نیز تا حدودی همین موضوع بوده است. اما این استدلال که در جامعه‌ای که تورم وجود دارد عقد قرض عملاً ناکارآمد است، استدلال غلطی است؛ چرا که باید پذیرفت حتی در جوامعی که تورم ندارند با توجه به عبارت (العجل قسط من الثمن) زمان دارای ارزش است؛ پس وقتی فردی به دیگری قرض می‌دهد حتی اگر در آن جامعه تورم وجود نداشته باشد، به نوعی از خودگذشتگی انجام داده و برای همین است که در کتاب آسمانی مسلمانان از قرض دادن به‌عنوان یک عمل صالح یاد می‌شود. از طرفی قرض دهنده مجبور به قرض دادن نبوده و برای این کار از اختیار و اراده برخوردار است. با این تفاسیر، قرض باید دو ویژگی داشته باشد؛ یکی اینکه میزان آن کم باشد و دیگری اینکه زمان بازپرداخت آن کوتاه باشد. برای مثال، اگر امروز من از شما تقاضای یک میلیون تومان